

# پیام های سازمانهای سیاسی به کنگره هشتم

## پیام دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

رفقای گرامی اعضای کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

با درود به شما و شرکت کنندگان در کنگره

برگزاری کنگره هشتم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را بشما دوستان و همه اعضا و هواداران این سازمان تبریک می گوئیم. آرزومندیم این کنگره با موفقیت هرچه تمامتر به وظایف خود عمل کرده و دستاوردهای شایسته‌ای را به همراه داشته باشد. رفقای گرامی!

روابط کاملاً دوستانه سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران که سالها پایه‌گذاری و به نحو شایسته‌ای ادامه داشته است و هم اکنون نیز در حال گسترش هرچه بیشتری است، موجب گردیده که در بسیاری مقاطع مبارزه علیه رژیم واپسگرایی جمهوری اسلامی در کنار هم باشیم و موفقیت‌های هر یک از این حزب و سازمان را از آن خود بدانیم. بنابراین طبیعی است که با چشم انتظار دوستانه‌ای به برگزاری کنگره هشتم سازمان دوستانان و مصوبات این کنگره بنگریم و توفیق هرچه بیشتر را برایش آرزو نمائیم.

قطعا این واقعیت را درک نموده‌ایم که از یک سو کنگره هشتم دوستان در چه شرایط سیاسی خاصی برگزار می‌گردد و از دیگر سو واقفیم که متأسفانه هنوز اپوزسیون دمکرات و متذقی ایرانی در همان پراکندگی و عدم اتحاد بسر میبرد که این خود شاید یکی از اسباب ماندگاری رژیم باشد. در همانحال از تلاش دو جانبه سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران بمنظور دستیابی به یک ائتلاف از نیروهای دمکرات و مترقی نیز شاید بسیاری مطلع‌اند، امید این است که کنگره هشتم شما رفقا در این زمینه نیز بیش از پیش فعال و گامی موثر به پیش نهد. حزب دمکرات کردستان ایران در این رابطه همچون گذشته فعال و به تلاش خود ادامه میدهد، باشد که این تلاشها نهایتاً به ثمر برسند.

برای یک شرکت کنندگان در کنگره سلامتی و خوشبختی و برای کنگره‌اتان توفیق و سرفرازی را آرزو مینمائیم.

حزب دمکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی

1387/ 4 / 25 خورشیدی

2008 / 7 / 15 میلادی

## پیام دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان

پیام دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان

به کنگره‌ی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

با سلام و درود گرم

به مناسبت کنگره‌ی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، صمیمانه به اعضای کنگره و اعضا و هواداران سازمان تبریک می‌گوئیم. امیدواریم کنگره کارهای خود را با تحلیل و تصمیمات درست در رابطه با آینده سرنوشت مردم زجر دیده‌ی ایران و حقوق تمامی خلقهای ایران، با موفقیت به پایان برساند.

دوستان گرامی!

سازمان شما در شرایطی کنگره‌ی خود را برگزار میکند که رژیم جمهوری اسلامی در داخل ایران با نارضایتی‌های روزافزون و مبارزات مدنی اقشار مختلف مردم روبرو شده‌است. در سطح بین‌المللی نیز تمامیت خواهی و سیاستهای آشوبگرانه این رژیم باعث افزایش فشارهای جامعه بین‌المللی بر سران جمهوری اسلامی شده‌است. چنین وضعیتی موجب ادامه کینه‌توزیها و سرکوبگریهای بی‌رویه‌ی جمهوری اسلامی در مقابل خواسته‌های مردم و مبارزات مدنی آنان گشته‌است. با این وصف خلقهای ایران از هرفرصتی در راستای اظهار نارضایتیهای خود در مقابل سیاستهای رژیم و تامین حقوق و

آزادیهایشان بهره جسته‌اند. کارگران ، زنان ، معلمان ، دانشجویان و مبارزان اقشار مختلف مردم در این رویارویی به عرصه مبارزات مدنی گام نهاده‌اند ، شیوه‌ای از مبارزه که میتواند فراگیر گشته و در نتیجه توان سرکوب جمهوری اسلامی را کاهش دهد و رژیم را به عقب نشینی‌های بیشتری ناچار سازد و از میزان سرکوب و استثمار بکاهد.

در کردستان ، بعد از سه دهه کشتار ، دستگیریه‌ها و اعدام‌های بیشمار ، مردم همچنان به مقاومت ادامه داده و برای تامین حقوق ملی مشروع خود همگام با مبارزان سراسر ایران در جهت دستیابی به آزادی و دموکراسی و تامین یک زندگی شایسته انسانی برای همی ایرانیان به مبارزه ادامه میدهند. اعتصاب‌های عمومی چند سال گذشته بویژه اعتصاب عمومی مردم کردستان در اغلب شهرها و مناطق کردستان در بیست و دوم تیرماه امسال ، نشانه‌ای از عمق بیزاری این مردم از رژیم و مصمم بودن آنها در مبارزه برای دستیابی به آزادی و دموکراسی است.

دوستان ارجمند!

در حالیکه هرروزه در شهر یا مناطق مختلف کشور بلازده‌امان شاهد رویارویی و درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی هستیم ، احزاب و سازمان‌های مسئول در خارج از کشور پراکنده و دور از هم ناظر این اوضاع هستند. به باور ما وقت آن رسیده است که با تحلیلی جدی و مسئولانه و درک خواسته‌های مردم ایران در شرایط کنونی ، راه همکاری و همگامی احزاب و سازمان‌هایی که به استقرار حکومتی دموکراتیک و فدرال و تامین خواسته‌های مردم و اهداف ملی خلق‌های ایران باور دارند را هموار نماییم . ایده‌ای که در شرایط سیاسی کنونی شاید تنها راه ممکن برای حفظ ایرانی یکپارچه باشد.

در پایان موفقیت کنگره‌ی سازمانتان را در راستای دستیابی به برنامه و اهدافی که به رهایی هرچه زودتر خلق‌های ایران از چنگ دیکتاتوری و استثمار یاری رساند ، آرزومندیم.

دفتر سیاسی

حزب دمکرات کردستان

2008 / 7 / 22

1387 / 5 / 1

## پیام شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران

پیام به کنگره هشتم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

رفقای گرامی!

شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران درودهای گرم و صمیمانه خود را به مناسبت برگزاری هشتمین کنگره سازمان ابراز می‌دارد و برای شما موفقیت هر چه بیشتر در تدوین برنامه و سیاست‌های آتی و وظائف پیش‌شاروی آرزو دارد.

رفقای عزیز!

کنگره شما در شرائطی برگزار می‌گردد که بن بست و نابسامانی اوضاع در ایران و ادامه تنش و بحران در منطقه ویژگی آنست. در ایران، جمهوری اسلامی در محاصره مشکلات حل‌ناشدنی و تنگناهای غیرقابل خروج است. سیاست‌های نظام در عرصه‌های مختلف اقتصادی، مالی، سیاسی و فرهنگی و بحران‌سازیهایی داخلی و خارجی آن، نتایج ویرانگر خود را در تحمیل فشارهای سنگین ناشی از گرانی و تورم فزاینده و مهار نشدنی بر مردم، در فرار سرمایه‌ها و استعداده‌ها و مغزها از کشور، در پیامدهای مجازات‌های اقتصادی، در سرازیر شدن بیش از پیش سرمایه بسوی سوداگری و در ایجاد اختلالات و عوارض اجتماعی و روانی جامعه، هر روز بیشتر نشان می‌دهد. اقشار و طبقات پائینی و میانی جامعه، کارگران، معلمان، تهیدستان، زنان و جوانان قربانی اصلی این سیاست‌اند.

پاسخ مافیایی نظامی- مالی حاکم به مشکلات روزافزون و به مطالبات معیشتی و آزادیخواهانه مردم، ادامه و گسترش فشار و سرکوب و بحران‌سازی در داخل و خارج از کشور است. مافیایی حاکم بر ایران که با فروش ثروت و منابع کشور زندگی میکند،

حراج ثروت و سرمایه امروز و نسل های آینده را به وسیله ای جهت ثروت اندوزی خود و پرداخت امتیازات و هزینه خیل عظیم پاسداران حاکمیت و نیروی ملیونی اطلاعاتی و امنیتی و وابستگان آنها تبدیل کرده است. از سوی دیگر با اجرای سیاست گسترش واردات رسمی و غیررسمی که در سال گذشته به رقمی بالغ بر 80 میلیارد دلار رسید، اقتصاد و تولید داخلی را ویران و بیکاری میلیون ها نفر را سبب شده است. در منطقه نیز تنش و جنگ که دامنه آن با تجاوز آمریکا به عراق در همه جا گسترده شد، همچنان ادامه دارد.

این جنگ و تنش که ژرژ بوش و کاخ سفید آنرا «مناقشه جهانی» و «جنگ ایدئولوژیک تعیین کننده عصر ما» نامیده اند هم اکنون تمامی خاورمیانه بزرگ را که مرزهای آن از پاکستان تا مراکش و شاخ افریقا امتداد دارد، در بحرانی عمیق فرو برده است. سرنوشت کشور ما، بمثابه یک کشور بزرگ و مؤثر در تحولات خاورمیانه، با سرنوشت این منطقه که بدلیل وجود ذخائر نفتی، موقعیت استراتژیکی و قراردادن اسرائیل در آن، منطقه ای حساس و پراهمیت و از مناطق مهم مورد توجه آمریکا بشمار می رود، گره خورده است. بهمین جهت وجود نظامی استبدادی- دینی قدرت طلب و ماجراجو و بی مسئولیت مانند جمهوری اسلامی و یا نظامی دموکراتیک درایران، نه تنها برای مردم کشور ما و منافع آن، بلکه برای تمامی مردم و کشورهای منطقه حائز اهمیت است. ایرانی مستقل و آزاد و دموکراتیک در تغییر شرائط کنونی منطقه و ایجاد صلح و امنیت در خاورمیانه، نقشی تردید ناپذیر دارد. این واقعیت، ابعاد ملی منطقه ای اهمیت مبارزه برای پایان دادن به نظام حاکم و استقرار دموکراسی در کشور ما را نشان می دهد، ابعادی که از رهائی مردم ما و زیست آنها در آزادی و استقلال فراتر می رود و تحقق آن تنها بوسیله مردم و آزادیخواهان ایران ممکن خواهد بود.

گرچه رژیم جمهوری اسلامی همچنان از ظرفیت ها و امکانات مالی، نظامی و انسانی قابل توجهی برای حفظ و ادامه حاکمیت خویش برخوردار است و سیاست سرکوب و کنترل گسترده آن از یکسو و انفعال سیاسی و فقدان دورنما و امید به تغییر در میان مردم از سوی دیگر، شرائط دشواری برای سازمان دادن مبارزه در ایران بوجود آورده است، معهذنا نباید نادیده گرفت که در کنار عوامل نامساعد، بدلیل تحولات ایجاد شده در ساختار جامعه، در مناسبات اقتصادی- اجتماعی و در ذهنیت مردم، ما با عوامل عینی مساعدی برای مبارزه جهت تغییر شرائط کنونی و استقرار نظامی دموکراتیک روبرو هستیم:

دانشجویان به اقتضای نیاز به مطالعه، پژوهش و بحث و تبادل اندیشه، به آزادی و فضای باز نیاز دارند و این امر آنها را بطور ناگزیر هر روز بیشتر به مقابله با استبداد دینی می کشاند. محروم بودن جوانان از بسیاری نیازها، نداشتن آزادی، بیکاری روزافزون، مشکلات تحصیلی، فشارهای روزمره و دورنمای ناروشن، نامطمئن و نومیدکننده آینده شرایطی را بوجود آورده است که آنها تأمین نیازهای خود را در چارچوب این نظام هر روز بیشتر ناممکن می بینند و بمثابه یک گروه اجتماعی پرتحرک، ناچار به تلاش برای گذار از این نظام و استقرار شرائطی تأمین کننده این خواست ها و نیازها روی می آورند.

حضور و شرکت روزافزون زنان در بخش های مختلف حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که پدیده ای بی مانند در کشور ما و عاملی مهم در استقرار جامعه مدنی و نظامی دموکراتیک است، زنان ایرانی را به مبارزه ای همه جانبه با جمهوری اسلامی و ارزش های واپس گرای آن کشانده است. پافشاری حاکمیت در حفظ قوانین، سنت ها و ساختارهای کهنه و ناسازگار با الزامات جامعه نو، زنان ایران را بطور اجتناب ناپذیر به تشدید این مبارزه و سمت گیری در جهت حذف این ارزش ها و پاسداران آن می کشاند.

کارگران، زحمتکشان، معلمان و سایر مزدبگیران برای دست یابی به خواست ها و مطالبات خود، راهی جز گسترش مبارزه ندارند. مبارزه این اقشار و طبقات اجتماعی به خاطر مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بطور سدناشدنی ادامه خواهد یافت و این خود عامل پویائی و گسترش مقاومت های آتی و مقابله آنها با نظام است.

با همه اینها، این مقاومت و مبارزات و بطور کلی وجود تمایل به تغییر در میان مردم، به تنهایی نمی تواند به تغییرنظام منجر شود و یا عامل برانگیختن جنبش همگانی گردد. گرایش و تمایل مردم به تغییرزمانی می تواند به جنبش همگانی برای تغییر تبدیل شود که عوامل و شرائط دیگری نیز موجود باشد. وجود نیروهای سیاسی سازمان یافته، وجود تشکل های سیاسی بزرگ و فراگیر برای دامن زدن و سمت دادن به این مبارزات و ایجاد پیوند میان مقاومت های پراکنده مردم، برای پیش برد مبارزات جاری و ارتقا آن به سطح جنبش همگانی، بر اساس ارائه دورنمایی از نظام جایگزین و ویژگی ها و ساختارهای آن، از عوامل اساسی و ضروری برای ایجاد تغییر و تحول و پایان دادن به حیات نظام حاکم است.

این نیاز مبرم و اساسی، همه ما را به گام برداشتن در راه پاسخ دادن به آن فرا می خواند. تلاش برای پایان دادن به پراکندگی موجود، تلاش برای متحقق ساختن اتحادها و ائتلاف های بزرگ وظیفه ایست که به رغم کوشش های ناموفق و دستاوردهای ناچیز تاکنونی باید بطور پیگیر به آن ادامه داد.

در مبارزه برای استقرار دموکراسی در ایران، جنبش چپ و سوسیالیستی نیروی اجتماعی بزرگ و انکارناپذیر است. این جنبش با وجود تأثیرات منفی در گذشته، با وجود خطاهای بزرگ و نفوذ افکار غیردموکراتیک در آن، در تاریخ مبارزات مردم ما و در پیکار

برای آزادی، عدالت اجتماعی و بهبود شرایط زندگی زحمتکشان سهمی مؤثر و فراموش ناشدنی داشته و در این راه قربانی‌های بی‌شمار داده است. امروز نیز شرکت و نقش فعال این جنبش در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، یکی از شرایط ضروری برای تغییر و تحول در ایران و یکی از ضامن‌های اصلی استقرار دموکراسی، بهبود زندگی مردم، استقلال کشور و رشد و توسعه آنست. اما ایفای چنین نقشی، بدون حضور سازمان یافته آن در صحنه سیاسی ممکن نخواهد بود.

تلاش‌های چند سال گذشته در خارج از کشور و فعالیت‌هایی که بویژه در دو سال اخیر در جهت وحدت نیروهای چپ دمکرات جریان داشته است، هم اکنون ما را به متحقق ساختن بخشی از این وظیفه و زمینه‌سازی وحدت میان بخش‌هایی از این جنبش نزدیک کرده است.

امیدواریم در جریان بحث‌های این کنگره و ادامه این بحث در نشست‌های بعدی، بتوانیم سازمان بزرگی در برگیرنده شمار هر چه بیشتری از نیروهای چپ سوسیالیستی خارج از کشور را پی‌ریزی کنیم و در راه توسعه و گسترش صفوف آن در داخل و خارج گام‌هایی مؤثر برداریم.

یکبار دیگر برای کنگره شما، موفقیت هر چه بیشتر بویژه در زمینه اتخاذ تصمیمات و رهنمودهای ضروری در این ارتباط، آرزو می‌کنیم.

کمیته هماهنگی شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران  
25 ژوئیه 2008

## پیام حزب کومه‌له کردستان ایران

رفقا و دوستان عزیز!

من حامل گرمترین درودهای کمیته‌ی مرکزی کومه‌له برای شما و کنگره‌ی هشتمتان هستم. همچنین از طرف کمیته‌ی مرکزی کومه‌له از اینکه ما را به کنگره‌تان دعوت نموده‌اید تشکر می‌کنم و موفقیت هرچه بیشتر کنگره و تک‌تک شما را آرزو می‌کنم و دستتان را بگرمی می‌فشارم.

رفقا! کنگره‌ی شما در شرایطی برگزار میشود که منطقه آبستن حوادث است و ایران هرروز بیشتر در باطلاق بحرانهایی گوناگون فرو میرود. رود رویی حاکمیت با مردم به‌گونه‌ی خارق‌العاده‌ای تعمیق یافته و هرروز ابعاد تازه‌تری بخود می‌گیرد، سرکوب مبارزات مردم، کشتار، اعدام و خفه‌کردن هرگونه صدای مخالف بشدت اوج گرفته است.

دردرون حاکمیت، جدال جناح‌ها برسر قدرت به خشونت بیشتر گرایده و علیرغم وجود انتقاداتی به سیاست‌های احمدی‌نژاد، حمایت خامنه‌ای از او هنوز ادامه دارد.

در سطح بین‌المللی، ایران، بخاطر ادامه‌ی سیاست‌های غیرمسئولانه و جنگ‌افروزانه‌اش، بیش از پیش منزوی شده و تحت فشار روزافزون قرار دارد. در زمینه‌ی بحران اتمی نیز، علیرغم فروکش اولیه‌ای که در سیاست اعمال فشار دولتهای غربی پیش آمده بود، فشار بین‌المللی بطور چشمگیری در حال افزایش است و آثار اولیه‌ی تحریم‌های اقتصادی قابل رویت می‌باشد.

بخش قابل توجهی از تحلیلگران از امکان بوجود آمدن تغییراتی در حاکمیت ایران صحبت میکنند. نرمش‌های جدید جمهوری اسلامی در رابطه با بحران اتمی و بازگشت برسر میز مذاکره، میتواند نشانه‌ای از چنین احتمالی باشد. ماهشدار میدهم چه در نتیجه شکست و چه از طریق سازش اگر جمهوری اسلامی مجبور به سرکشیدن دوباره‌ی جام زهر شود، قبل از هرچیز برای جلوگیری از خیزش توده‌های مردم به تسلیم و اداشتن آنان سعی خواهد کرد سرکوب خونینی براه اندازد و انقلابیون، رهبران محلی، مبارزین و مخالفین را همچون سال 67 قتل عام نماید. تقسیم نیروهای نظامی به لشکرهای مستقل استانی و اعدامها و سرکوب‌های بیسابقه‌ی کنونی نشان میدهد که رژیم یورش خود را آغاز کرده است.

رفقا! در چنین شرایطی همگامی و اتحاد سریع طیف‌های مختلف دموکراسیخواه ایران و احزاب و سازمان‌های دمکرات و عدالتخواه به یک امر حیاتی و مبرم جنبش‌های موجود در ایران و به یک وظیفه‌ی عاجل ما تبدیل شده است. ما باید بسرعت از این پراکندگی غیرقابل توجیه‌ی رهایی‌یابیم و دوشادوش همدیگر برای آزادی و دموکراسی مبارزه کنیم. برای این کار ما احتیاج به توافق برسر اساسیترین مسائل سیاسی و اجتماعی موجود در ایران داریم. ما نمیتوانیم جنبش‌های وسیع و گوناگون توده‌ای رادرجریان مبارزه‌ی مشترکمان در کنار هم قرار داده و بهم پیوند زنیم. نمیتوان با انکار و عدم توجه به عمده‌ترین جنبش‌های توده‌ای موجود به جایی رسید. برسمیت شناختن این جنبش‌ها و توجه به خواسته‌هایشان و پاسخگویی مشخص به هرکدام از آنان باید محورهای اصلی ائتلاف و وحدت ما دمکرات‌ها و عدالتخواهان اجتماعی باشد. در این مورد نباید هیچ واهمه‌ای بخود راه دهیم. چرا باید در همایش‌های ما هوادار بنی‌صدر باشد و از کنگره‌ی ملتهای ایران فدرال دعوت بعمل نیاید؟

در عین حال ما باید از گنجاندن موارد و دادن شعارهایی که باعث برانگیختن توهم در میان توده‌های مردم میشوند بپرهیزیم. البته

ما خواهان صلح و آشتی در تمامی جهان و بویژه در ایران هستیم، اما شعار "جبهه سوم"، "جبهه صلح" و "تشکیل کمیته‌های صلح"، آنهم در حالیکه جنگی در کار نیست، غیر از منحرف کردن مبارزه مردم از مسیر خودش و آب ریختن به آسیاب جمهوری اسلامی چه خاصیتی دارد؟ در ایران جبهه‌ی سومی وجود ندارد، دو جبهه بیشتر نیست. جمهوری اسلامی و نیروهای ضدمدمیش در یک طرف، و مردم و نیروهای آزادیخواه و برابری طلب در طرف دیگر.

باز هم میگویم ما منادی صلح و آشتی هستیم، ما با دخالت نظامی خارجی و آلترناتیوسازی آنان مخالفیم، اما آیا این بدان معنی است که ما به همه بد و بیراه میگوئیم و با همه خصومت میورزیم و حاضر نیستیم از امکانات و شرایط مساعد به نفع پیشبرد جنبش استفاده کنیم؟ فراموش نکنید قبل از روی کار آمدن جمهوری اسلامی نیز مخالفت ما با دولت‌های غربی و آمریکامدتا بر سر این بود که این دولت‌ها بخاطر حفظ منافع خویش از رژیم‌های دیکتاتور حمایت میکردند. اما حالا شرایطی پیش آمده که منافع آنان در تضعیف جمهوری اسلامی است، معلوم است که ما باید از این ام به نفع مبارزه‌ی خودمان استفاده کنیم. ما باید از همه‌ی ارگان‌های بین المللی و همه‌ی دولت‌ها بخواهیم که از جمهوری اسلامی حمایت نکنند و از فروش اسلحه به آن خودداری کرده و کاری نکنند که رژیم را تقویت و ما را تضعیف کند. باید از آنان بخواهیم و به آنها فشار بیاوریم که از مبارزه‌ی مردم و ملت‌های ایران و از جنبش دموکراسی و حقوق بشر و سایر جنبش‌های مردم در ایران پشتیبانی کنند. من بیش از این سرتان را درد نمی آورم و بار دیگر برای کنگره و تک تک شما عزیزان آرزوی موفقیت میکنم.

## پیام دفتر سیاسی کومه‌له زحمتکشان کردستان

رفقای عزیز! سلام‌های گرم ما را بپذیرید. برگزاري کنگره هشتم را به شما تبریک میگوئیم و برایتان آرزوی موفقیت داریم. رفقا کنگره شما در شرایط سیاسی خاصی برگزار میشود و طبیعی است که جدا از پاسخگویی به برخی مسائل تشکیلاتی، وظایف عمومی--تری در قبال جنبش را نیز در دستور کار خود گذاشته و به آنها جوابگو باشد. در شرایط حساس کنونی، ما تقویت انسجام و وحدت درونی تشکیلات را برای همه و از جمله سازمان شما نیز ضروری میدانیم. سالها موجودیت و سبک فعالیت شما به ما اطمینان بخشیده که در این سازمان عنصر مسلط احساس مسئولیت و همبستگی رفیقانه است. این دستاوردی است که در این کنگره نه تنها باید حفظ شود، بلکه ضروری است تا پایه‌های این رفاقت مستحکم تر گردد. شرایط حساس کنونی در ایران و موقعیت داخلی و خارجی- نامناسبی که رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی به زیان و به حساب مردم ایران فراهم آورده است، هر روز بیشتر از روز پیش این جامعه را به ورطه سقوط و به سوی فاجعه انسانی سوق میدهد. اکنون گذشته از پدیده‌های خفقان سیاسی، فقر، اعتیاد، زندان و شکنجه، زن ستیزی و تباهی زندگی جوانان، سایه شوم یک جنگ ویرانگر نیز به دیگر ارمغان‌های این رژیم اضافه شده است. این شرایط بیش از هر زمان دیگری همکاری، هماهنگی و استحکام اتحاد و دوستی نیروهای چپ و سوسیالیست، دمکرات و ترقیخواه در ایران را ضروری ساخته است. ایجاد یک جبهه دموکراسی، ضد استبدادی، ترقیخواه و پیشرفته، بدون یک زمینه‌سازی و ایجاد همکاری فشرده این نیروها، ممکن و مقدور نیست.

ما انتظار داریم که کنگره شما گامی دیگر برای هموار نمودن راه در این مسیر بردارد. ما ضمن تأکید مجدد بر دوستی و همکاری فیما بین و اعلام آمادگی برای تقویت این پیوند میان دو جریان، آمادگی خود را جهت تلاش برای ایجاد یک اتحاد دمکراتیک و عدالتخواه ابراز میداریم و چون همیشه سازمان شما را یکی از مبارزین این راه و از متحدان نزدیک خود میشناسیم. بار دیگر برای همه شما رفقای عزیز و برای کنگره آرزوی موفقیت داریم.

دفتر سیاسی کومه‌له زحمتکشان کردستان

4 مرداد ماه 1387 هجری برابر با 7.200825 میلادی

## پیام هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

برگزاري کنگره هشتم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را به شما و دوستداران سازمان شما شادباش می گوئیم. ما صمیمانه آرزو مندیم این کنگره با آگاهی از نقشی که در جهت سامانیابی و اتحاد نیروهای چپ می تواند بر عهده بگیرد، تصمیمات راهگشایی در جهت همگرایی نیروهای چپ و زمینه سازی برای ایجاد حزب چپ دمکرات و مدرن اتخاذ کند.

جامعه ما طی سه دهه تحولات عمیقی را در ساختارهای اجتماعی و طبقاتی پشت سر گذاشته است. تحولات ساختاری در طی سه دهه، دموکراسی و عدالت اجتماعی را به مسئله اصلی جامعه ما تبدیل کرده و این امر را مدلل ساخته است که در کشور ما، امر توسعه با دموکراسی و عدالت اجتماعی درآمیخته است.

در این فاصله زمانی به جهت رشد جمعیت کشور، سرریز شدن دهقانان بسوی شهرها و به فلاکت نشاندن بخشی از گروههای اجتماعی بخاطر سیاستهای اقتصادی جمهوری اسلامی، بر میزان اقشار تهیدست جامعه، حاشیه نشینان و خانه بدوشان افزوده شده و گروه های جدیدی از جامعه که بخشی از آنها در گذشته جزو اقشار میانی به حساب می آمدند، به سوی اقشار پائین جامعه رانده شده اند.

اگر در یک قطب جامعه فقر و فلاکت متراکم گردیده و اکثریت جامعه بسوی فقر سوق یافته اند، در قطب دیگر جامعه ثروت بیکران در دست لایه نازکی متمرکز گشته است. در طی دو دهه باند ثروت - قدرت شکل گرفته و به ثروتهای بی سابقه در تاریخ ایران دست یافته اند. شکل گیری لایه نازکی از ثروتمندان کلان از سوئی و از سوی دیگر متورم شدن اقشار کم درآمد جامعه، به تشدید فقر و بیکاری و تعمیق بی سابقه شکاف طبقاتی منجر گردیده است. به یقین می توان گفت که فقر، بیکاری و فاصله فقر و ثروت در جامعه ما به نحو بی سابقه ای گسترش یافته است.

بر این پایه می توان گفت که بخاطر دگرگونی ساختار طبقاتی و سیاستهای اقتصادی طی سه دهه، امر توسعه و دموکراسی عمیقاً با عدالت اجتماعی درهم آمیخته و توسعه سیاسی و اقتصادی، بدون تامین عدالت اجتماعی در جامعه به امر غیرقابل دسترسی تبدیل شده است.

تاکید بر پیوند توسعه با دموکراسی و عدالت اجتماعی نه یک امر ذهنی و خواست و تمایل این یا آن جریان سیاسی، بلکه امر عینی و برخاسته از آرایش نیروهای اجتماعی و مطالبات آنها است. مردم هم نان میخواهند و هم آزادی؛ نه میتوان به بهانه آزادی نان را از آنان دریغ داشت، و نه به بهانه نان از آزادی محرومشان ساخت.

تحولات برشمرده حضور قوی حزبی را می طلبد که این دو مسئله اصلی جامعه ما را در راس برنامه خود قرار دهد. حزب چپ دمکرات و مدرن از چنین خصیصه ای برخوردار است. حزبی که دغدغه اش تنها عدالت اجتماعی و یا آزادی نیست، بلکه عمیقاً معتقد است که در جامعه ما آزادی و عدالت با هم در آمیخته اند. امروز حضور قوی و موثر حزب چپ دمکرات و مدرن که به الزامات عصر فراصنعتی پاسخ گوید و دستاوردهای تکنولوژی اطلاعاتی را به کار گیرد، به یک امر مبرم و ضرور تبدیل شده است.

در شرایط فقدان حزب چپ دمکرات و مدرن، شعار عدالت اجتماعی با توجه به فقر گسترده و شکاف طبقاتی، به دست نیروهائی خواهد افتاد که از آن بصورت فریبکارانه بهره گرفته و به خدمت اهداف خود در خواهند آورد. همچنانکه جریان راست افراطی در انتخابات ریاست جمهوری با شعار عدالت خواهی، کاندیدای خود را در مقام ریاست جمهوری نشانند.

در سالهای اخیر بر بستر شرایط عینی جامعه، نسل جدیدی از چپ در جامعه ما پا به حیات گذاشته است.

نیروی چپ در داخل کشور علیرغم سرکوب خشن سیاسی و فشار نئولیبرالیسم، با ظهور در صحنه سیاسی، برای دفاع از حق موجودیت خود و تاثیرگذاری بر روند تحولات جاری در کشور مبارزه ای دشوار ولی امید بخشی را پیش می برد. این نیرو جوان، پرشور، شجاع، بانظرات و تمایلات متفاوت ولی باورمند به سوسیالیسم می باشد و هرکجا که کانون اعتراض و مبارزه برای آزادی و عدالت است حضور دارد. این نیرو از دل دانشگاه ها و از میان جوانان برخاسته اما مبارزه آن پشت دیوارهای دانشگاه محدود نمانده و طنین صدای آن در مبارزه کارگران و مزدبگیران، زنان، دانشجویان، فعالان حقوق قومی- ملی، نویسندگان و

هنرمندان کشور بازتاب دارد. جمهوری اسلامی و حامیان سرمایه با تمام خشونت با ورود این نیرو به صحنه سیاسی و دخالت گری آن مقابله می کنند و با سرکوب و زندان می کوشند از بازگشت چپ و تبلیغ برنامه و نظر سوسیالیسم دمکراتیک در جامعه جلوگیری کنند. اما از آنجا که ظهور و حضور مجدد چپ محصول شرایط عینی، رشد جنبش کارگری و روند تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه است، حکومت قادر به حذف آن نیست. طیفی از این نیرو اگر امروز در دانشگاه سرکوب می شود، فردا از کانون دیگری سر برمی آورد و رژیم را به چالش می کشد. اما این نیرو به دلیل فقدان ارتباط ارگانیک با طبقه کارگر، نداشتن تشکیلات حزبی و محرومیت از تجربه تلخ فرقه گرایی و اتحادگریزی نسل پیشین چپ، متفرق و متشتت است و مخالفان چپ، آگاهانه سرگرم تزریق آفت تفرقه درون صفوف آن هستند و می خواهند چپ، تماشاگر منفعل تحولاتی باشد که حکومت و سرمایه داری برای مردم ما رقم می زند. هدف مخالفان چپ این است که این نیرو حتی اگر بتواند زیر بار سرکوب سنگین موجودیت فیزیکی خود را حفظ کند، نتواند متشکل گردد و با تبلیغ و ترویج ایده های خود به قطب قدرت در جامعه تبدیل شود.

رفقای گرامی!

ما برای آن که از تماشاگر منفعل به کنشگر فعال و اثرگذار بر روند تکوین تحولات کشور بدل شویم، باید همه امکانات و توانمان را برای غلبه بر تشتت و تفرقه ای که چپ را از درون می خورد بسیج کنیم و در جهت تشکیل حزب چپ دمکرات و مدرن گام بر داریم. این اتحادگریزی حاکم بر چپ به عنوان پدیده آزار دهنده ای که مانع توجه و تمرکز نیروی ما به وظایف میرم طبقاتی شده است، برای ما و شما و سایر احزاب و سازمان های چپ نه تازه است و نه موضوعی ناشناخته. همه با این ضعف و کاستی آشنا هستیم، همه به درستی اذعان داریم که بدون اتحاد و وحدت تشکیلاتی بر مبنای برنامه و سیاست، چپ سوسیالیستی نمی تواند به نیروی اثرگذار در معادلات سیاسی تبدیل شود. اما تجربه عینی نشان می دهد که نیروهای چپ تنها با تاکید بر ضرورت اتحاد به عنوان کلید مشکل گشا نمی توانند بر دشواری کنونی غلبه کنند. راهی که برای اتحاد و سازمانگری وحدت چپ و ایجاد حزب بزرگ نیروهای سوسیالیست انتخاب می شود، خود بخشی از روند وحدت و بیانگر ماهیت تلاش ما در راه جمع کردن نیروی متفرق و متشتت چپ است. نیرویی که خود را در ایران چپ می شناسد و متعلق به مبارزان راه سوسیالیسم می داند، نمی توان مستقل از شرایطی که شکل گرفته و پرورش یافته و جدا از مبارزه بانفوذ اندیشه راست در درون آن، سازماندهی کرد. در فاصله دو دهه تحول بزرگی درون نیروی چپ اتفاق افتاده است. ما و شما روزهای سختی را در راه دفاع از حقانیت سوسیالیسم سپری کرده ایم. برخی در این فاصله دست به انتخاب زده و راه خود را از چپ جدا کرده اند. تکلیف ما و آنان روشن است، اما بخشی در جستجوی راه اصولی برای دفاع از سوسیالیسم به بیراهه رفته اند. برای بازگرداندن همه آن نیروهایی که متعلق به چپ و طبقه کارگر هستند باید با انعطاف باشیم بدون آن که از چشم انداز روشن تلاشمان در راه سوسیالیسم ذره ای فاصله بگیریم.

رفقای عزیز!

به باور ما، امروز ضرورت دارد که از یکسو به تدوین مسائل نظری و برنامه ای چپ دمکرات پرداخت و در این ارتباط از ارزشهایی چون آزادی، دمکراسی، برابری حقوق زن و مرد، حفظ محیط زیست و عدالت اجتماعی و از سوسیالیسم دمکراتیک دفاع کرد و از سوی دیگر برای وحدت چپ دمکرات و زمینه سازی برای شکل گیری حزب چپ دمکرات و مدرن گام برداشت.

امید ما این است قطعنامه ای که شما برای همکاری ها و وحدت چپ به کنگره ارائه داده اید در خدمت آنچه که گفته شد، قرار گیرد و به ساماندهی نیروی چپ و پیشبرد امر وحدت بین سازمانها و نیروهایی که از نقطه نظر دیدگاهی، برنامه و سیاست نزدیکی دارند، یاری رساند.

در خاتمه بار دیگر موفقیت شما را در پیشبرد برنامه کنگره هشتم خواهانیم و آرزو مندیم شاهد روزی باشیم که همه نیروهای مدافع سوسیالیسم دمکراتیک در زیر یک سقف گرد آیند و سازمان واحدی را پی بریزند.

با درودهای رفیقانه

هیات سیاسی-اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۸۷ - ۲۳ ژوئیه